

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۳۱

موضوع: عدم نشر فرهنگ ولایت و امامت؛ ریشه تمامی شبهات!

(سخنرانی در مسجد امام حسین بیرجند)

فهرست مطالب این سخنرانی:

امام کاظم (سلام الله علیه)؛ امامی با ویژگیهای خاص

آیا «زراره» امام بعد از امام صادق را نمی شناخت!؟

فرقه واقفیه؛ فرقه ای کافر و مشرک!

عدم نشر فرهنگ ولایت و امامت؛ ریشه تمامی شبهات

مذهبی که از لابه لای خون، شکنجه و شلاق به دست ما رسیده است!

پیشینه امامت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

عنایتی از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به یک فرد ناصبی!

مطالعه این کتاب با برکت را از دست ندهید!

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین. لاحول ولا قوة الا

بالله العلی العظیم حسبنا الله ونعم الوکیل، نعم المولی و نعم النصیر توکلت علی الحی الذی لا یموت و ستعذت

وبالعزة والقدره والجبروت

ثم الصلاة والسلام على سيدنا وسيد الاولين والآخرين حبيبا اله العالمين ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المنتجبين المكرمين لاسيما مولانا وسيدنا حجة ابن الحسن روى واروحنا العالمين لتراب مقدمه الفداء

واللعن الدائم على اعدائهم ومخالفهم ومعانديهم من الآن إلى قيام يوم الدين. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنُهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللّٰهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و این ایام مبارک را که پشت سر گذاشتیم، دهه مبارکه ولایت و عید غدیر خم، عیدالله اکبر و امشب هم شب میلاد امام هفتم آقا امام کاظم (سلام الله علیه) است و در استقبال شب مباحله هستیم.

ما این اعیاد مبارکه را به پیشگاه مقدس مولایمان بقیة الله الاعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تبریک و تهنیت می‌گوییم. خدا را به آبروی آقا امام کاظم (سلام الله علیه) قسم می‌دهم عیدی ما را فرج موفورالسرور مولایمان بقیة الله الاعظم قرار بدهد.

امام کاظم (سلام الله علیه)؛ امامی با ویژگیهای خاص

از آن جای که امشب، شب میلاد امام کاظم (سلام الله علیه) است، من یک اشاره‌ای در این رابطه داشته باشم بعد در رابطه با اصل موضوع اهمیت ولایت و امامت مقداری با شما عزیزان و گرامیان عرائضی تقدیم کنم.

زندگی آقا امام کاظم (سلام الله علیه) از اول طفولیت تا آخرین لحظه شهادت همراه با ماجراهای عجیب و غریب بوده است که هیچ کدام از ائمه (علیهم السلام) این مشکلات و مصائب را نداشتند.

شما ببینید در آغاز امامت حضرت، عده زیادی از «زیدیه» شبهاتی را بر نفی امامت آقا امام کاظم (سلام الله علیه) مطرح می‌کردند و می‌گفتند که آقا امام کاظم، امام منصوب از طرف امام صادق (سلام الله علیه) نیست!!

یک عده سراغ «عبدالله افطح» رفته بودند، یک عده سراغ «اسماعیل ابن جعفر» رفته بودند و هر کدام از این‌ها بساطی برای خودشان داشتند. ماجراهای است که اگر بخواهیم تک تک این ماجراها را عرض کنیم، خود مثنوی هفتاد من کاغذ می‌شود.

از طرفی هم تعدادی از اصحاب امام صادق (سلام الله علیه) در این میان سرگردان بودند که این قضایا چی هست و چه اتفاقی دارد می‌افتد؟

گرچه بنده بر این عقیده هستم که خیلی از این مسائل، ساختگی و جعلی است که توسط «زیدیه» صورت گرفته که مرحوم «شیخ صدوق» به طور مفصل به آن ورود پیدا کرده است. بعد از او مرحوم «شیخ مفید»، و «سید مرتضی» ورود پیدا کردند بر این‌ها بعد از امام صادق، که «اسماعیل» را علم کرده‌اند، این‌ها یک مسائلی پشت پرده دارند که متأسفانه امروز می‌بینیم در بعضی از حوزه‌های علمیه ما، بعضی از افراد جاهل و نادان، معاند نمی‌خواهم بگویم، دنبال این هستند که امام صادق (سلام الله علیه) نستجیر بالله امام بعد از خود را نمی‌شناخت و تصور می‌کرد امام بعد از او «اسماعیل» است!!

با این‌که تنها امامی که از روز ولادتش امامتش اعلام شده، آقا موسی ابن جعفر است؛ چون آقا موسی ابن جعفر در منزل «ابواء» بین «مدینه» و «مکه» به دنیا آمد و همان لحظه که بشارت ولادت امام کاظم به امام صادق داده شد، حضرت فرمود:

«فَهُوَ وَ اللَّهُ صَاحِبُكُمْ بَعْدِي»

امام بعد از شما حضرت کاظم است.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، مصحح: غفاری علی اکبر و

آخوندی، محمد، ج ۱، ص ۳۱۰، ح ۱۲

بررسی‌های که من در رابطه با شبهات آقایان نا آگاه داشتم، ۸۵ روایت غالباً صحیح در امامت امام کاظم در منابع ما وجود دارد که این انبوه روایت را از امیر المؤمنین (سلام الله علیه) که بگذریم در مورد هیچ کدام از ائمه نداریم.

نزدیک به ۲۲-۲۳ روایت غالباً صحیح در مورد امامت امام کاظم داریم مخصوص دوران طفولیت امام کاظم، که حضرت ۵ ساله و ۷ ساله و یا حتی در قنடைه بودند!

آقا امام صادق (سلام الله علیه) چون می‌داند در رابطه با امامت امام کاظم برخی دچار حیرت و گرفتاری می‌شوند امامت حضرت را بیان کرد. و نزدیک به ۴۰ روایت در مذمت «اسماعیل» غالباً از زبان امام صادق (سلام الله علیه) داریم.

در این میان کلمات بی‌ادبانه‌ای که «اسماعیل» نسبت به آقا امام صادق (سلام الله علیه) دارد و مرحوم «کلینی» در «کافی» بعضی از آن‌ها را آورده، مرحوم «خزاز» در «کفایه الأثر» اش آورده، مرحوم «شیخ صدوق» آورده و مرحوم «صفار» در «بصائر» خودش آورده است. این‌ها یک سری بحث‌های است که تک‌تک این‌ها نیاز به تحقیق و بررسی مفصل دارد.

خیلی جالب است که امروز در کشور ما برخی از نادان‌ها دنباله رو «شریعت سنگلجی»، «کسروی» و یا «ابوالفضل برقی» (خذلهم الله ولعنهم الله) هستند.

آیا «زراره» امام بعد از امام صادق را نمی‌شناخت؟

امروز در فضای مجازی، غوغایی در رابطه با موضوع امامت امام کاظم به راه انداختند که اگر دوستان در فضای مجازی باشند می‌دانند «آمریکا» و «اسرائیل» از «طالبان» و «داعش» خیری ندیدند، امروز این‌ها را در داخل کشورمان علم کردند.

من فقط یک نمونه از این‌ها را بگویم تا ببینید که این‌ها اصلاً از تاریخ خبر ندارند. اینها می‌گویند اصحاب امام صادق نمی‌دانستند که بعد از امام صادق، چه کسی امام است؟ از جمله «زراره»! ما دیگر از «زراره» فقیه‌تر نداریم، افقه صحابه از عصر امیر المؤمنین تا امام عسکری «زراره ابن اعین» است. می‌گویند «زراره» خبر نداشت امام زمانش چه کسی است و بعد از شهادت امام صادق، پسرش «عبیدالله» را به «مدینه» فرستاد تا خبر بیاورد که بعد از امام صادق، چه کسی امام است؟

ایشان قبل از این‌که پسرش بیاید در حال احتضار گفت خدایا من که نمی‌دانم امام زمانم چه کسی است، قرآن را باز کرد و گفت خدایا هر کسی را در این قرآن امام معین کرده‌ای او امام من است!!

می‌گویند فاسدترین کلام، کلامی است که تاریخ او را تکذیب کند. این آقایان این قدر نادان و جاهل هستند که نمی‌دانند آقا امام صادق سال ۱۴۸ از دنیا رفته، و «زراره» ۱۵۰ از دنیا رفته است. یعنی دو سال و اندی فاصله داشته است.

فرقه واقفیه؛ فرقه ای کافر و مشرک!

از این‌گونه مسائل در رابطه با امام کاظم زیاد است و بعد از شهادت این بزرگوار هم، «واقفیه» مثل «علی ابن ابی حمزه بطائنی»، «زیاد ابن مروان قندی» و... که از وکلای امام کاظم بودند و اموال زیادی در اختیارشان بود، آمدند «مذهب واقفیه» را تأسیس کردند؛ که یکی از معضلات عصر امام رضا و امام جواد (سلام الله علیهما)، همین فرقه «واقفیه» بود.

اینها گفتند امام کاظم همان مهدی موعود (سلام الله علیه) است به ما وصیت کرده که این اموال را به کسی ندهیم، و وقتی ما ظهور کردیم به ما بدهید.

از امام جواد سوال می‌کنند آیا ما می‌توانیم به «واقفیه» زکات بدهیم؟ فرمود خیر:

«فَائِهِمْ كُفَّارٌ مُشْرِكُونَ زَنَادِقَةٌ»

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مصحح:

مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ج ۹؛ ص ۲۲۹

به نظرم همین اندازه نسبت به آقا امام کاظم (سلام الله علیه) که اظهار ارادتی کرده باشیم کافی است.

عدم نشر فرهنگ ولایت و امامت؛ ریشه تمامی شبهات

عزیزان! آنچه که موجب شده این شبهات حتی در عصر ائمه و بعد از آنها در زمان غیبت و در عصر ما این چنین فراگیر باشد، ریشه تمامی این شبهات، عدم نشر فرهنگ ولایت و امامت است.

«بنی امیه» این شجره ملعونه در قرآن، با تمام توان تلاش کردند فرهنگ امامت و ولایت در میان مردم منتشر نشود. اینها از تمامی امکانات و ظرفیتهایشان برای محدود ساختن روایات استفاده کردند.

دودمان نحس بنی امیه نه تنها روایات شیعه مانند: «حجر ابن عدی» را با ده یارش مظلومانه در بیابان به جرم دفاع از علی (علیه السلام) شهید کردند، نه تنها «رشید هجری» را سر و زبان بریدند. نه تنها «قنبر» را به جرم دفاع از علی مظلومانه سلاخی کردند. بلکه «محمد ابن ابی بکر» را که فرزند خلیفه خودشان بود، به جرم وابستگی به علی و دفاع از امیرالمؤمنین شهید کردند و جنازه اش را در پوست الاغ قرار دادند و آتش زدند!!

اینها «میثم تمار» را دست و پا بریدند؛ ولی این یار با وفای علی دست از علی بر نداشت در آخر هم بر بالای نخل اعدامش کردند؛ اینهایی که ولایت با خون، رگ و پوستشان عجین شده بود این چنین بودند!

معمولاً کسی را که دست و پایش را می برند و خون فوران می کند، می گوید ای وای دستم، ای وای پایم؛ ولی جناب «میثم تمار» بالای دار داد می زند آی مردم کوفه! سینه من، مملو از فضائل و حقانیت علی است، در این چند لحظه ای که از عمر من باقی مانده بیایید من از علی برای شما سخن بگویم!!

مذهبی که از لابه‌لای خون، شکنجه و شلاق به دست ما رسیده است!

ببینید دوستان! این مذهب به سادگی به دست ما نرسیده که ما از کنارش به سادگی رد بشویم. از لابه‌لای شکنجه‌ها و خون‌ها به دست ما رسید است.

«میثم» بالای دار است، ولی به جای ضجه و ناله زدن و این‌که بگوید ای وای دست و پایم! می‌گوید آی مردم بیایید من برای شما از علی بگویم. «عمرو بن حریت» همان که در قضایای «متعه» داستان‌های ناشایستی دارد، دوان دوان به سمت دار الاماره پیش «عبیدالله زیاد» رفت و گفت «عبیدالله!» اگر «میثم» به سخنرانی‌اش ادامه بدهد با این وضع آغشته به خون، که خون فوران می‌کند، او مثل شیر بر بالای دار می‌غرد و از علی می‌گوید، اگر ادامه پیدا کند مردم علیه شما شورش می‌کنند، لذا دستور می‌دهد جلاد برو زبان «میثم» را هم ببر!

این‌ها یک طرف قضیه است؛ در طرف دیگر «بنی امیه» حتی به علمای خودشان هم در حوزه دفاع از امیر المؤمنین رحم نکردند.

آقای «نسائی» صاحب «سنن»، یکی از «صاحح سته» است، در «شام» منبر می‌رود و از فضائل علی سخن می‌گوید، او را از بالای منبر پایین می‌کشند، به قدری به او لگد و مشت می‌زنند که نیمه جان از مسجد او را بیرون می‌آورند؛ او با اشاره می‌گوید من را به طرف «مکه» ببرید ولی وسط راه از دنیا می‌رود!

«علی بن سقا» یک عالم سنی است نه شیعه! ایشان بالای منبر می‌رود در فضیلت امیر المؤمنین «حدیث طیر» را مطرح می‌کند.

«ابن سقا» که از او تعبیر به «الامام، الحافظ» می‌کنند، شما می‌دانید که در اهل سنت واژه «امام»، معادل «مرجع عالیقدر جهان تشیع» ما است. «ذهبی» می‌گوید: اگر به کسی «امام» بگویند، طعن هیچ طعنه‌گری در رابطه با او مورد قبول نیست.

این شخص را از منبر پایین می‌آورند و منبر را آب می‌کشند! می‌گویند در منبری که فضیلت علی گفته شود نجس است!! این‌ها، این‌چنین برخورد کردند.

و یا «نصر بن علی» را به جرم دفاع از علی هزار ضربه شلاق می‌زنند، دوستان و سروران همه می‌دانید اگر کسی (نستجیر بالله) زنا کرده باشد اگر زنای محصنه نباشد ۱۰۰ ضربه شلاق دارد؛ ولی این‌ها «نصر بن علی» را به جرم دفاع از علی هزار ضربه شلاق می‌زنند!!

به «عطیه عوفی» می‌گویند باید از علی دست برداری و گرنه شلاق می‌زنیم، ریشت را می‌تراشیم، سرت را می‌بریم. می‌گویند بفرید این‌ها برای دفاع از علی ارزشی ندارد!!

آقای «دوانی» را خدا بیمارزد، ایشان کتابی به نام «راد مردان سیستان» دارد که در آنجا می‌گوید: حاکم سیستان به مردم گفت باید به علی ناسزا بگویید مردم گفتند نخواهیم گفت. گفت: اگر کسی به علی ناسزا نگوید باید مالیات سنگین پردازد، گفتند می‌پردازیم. بعد می‌بیند مردم آماده هستند از تمام ثروت و مال‌شان برای علی بگذرند؛ لذا دستور خطرناکی می‌دهد؛ می‌آید روی غیرت مردها دست می‌گذارد، می‌گوید اگر کسی به علی بد و بیراه نگوید، سر همسرش را در وسط خیابان می‌تراشیم! مردم می‌گویند حاضر هستیم زنان ما در ملاء عام سرشان تراشیده شود؛ ولی به علی ناسزا نمی‌گوییم.

دوستان! ولایت و امامت به این سادگی به دست من و شما نرسیده است. آقای «رافعی» از علمای بزرگ اهل سنت است، کتابی به نام «التدوین فی اخبار قزوین» دارد. ایشان در کتابش دارد در شهر ما «قزوین»، حاکم بالای منبر می‌گوید مردم به علی بد و بیراه بگویید، ولی هیچ کس نمی‌گوید.

خودش بالای منبر شروع می‌کند به امیرالمؤمنین جسارت کردن، مردم می‌ریزند او را بالای منبر تکه تکه می‌کنند و قطعات بدنش را جلوی سگ‌ها می‌اندازند!

غرض این بود که «بنی امیه» و «بنی العباس» حتی به علمای اهل سنت که فضائل علی را می‌گفتند هم رحم نکردند. دوستان به کتاب «تهذیب التهذیب ابن حجر عسقلانی»، «سیر اعلام النبلاء ذهبی»، «تهذیب الکمال مزی» در شرح حال «علی بن رباح» مراجعه کنید می‌گوید:

«کان بنو أمیة إذا سمعوا بمولود اسمه علي قتلوه»

بنی امیه اگر می‌شنیدند که اسم نوزادی را علی گذاشتند، نوزاد را جلوی چشم پدر و مادرش می‌کشتند.

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: ۸۵۲، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۷، ص ۲۸۰، ش ۵۴۱

«علی بن رباح» می‌گوید خدا لعنت کند آن‌های که اسم من را علی گذاشتند اسم من «علی» نیست «علی» است! کسی من را «علی» صدا نکند.

«ابن ابی الحدید» می‌گوید: اگر به یک انسانی «زندیق»، «لا مذهب» و «بی‌دین» می‌گفتند؛

«أحب إليه من أن يقال: شيعه علي»

بهتر و محبوب‌تر از این بود که بگویند شیعه علی ابن ابیطالب است!

شرح نهج البلاغة، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحدید

المدائني الوفاة: ۶۵۵ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۸ م، الطبعة:

الأولى، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج ۱۱، ص ۲۵

همان طوری که اشاره کردم این مذهب از لابه‌لای خون، شکنجه و زجر به دست ما رسیده و ما باید از این مذهب مثل تخم چشمانمان بلکه از آن مهم‌تر، گرامی بداریم و در برابر هجمات شبهه‌ای که امروز علیه مذهب است،

بایستیم و پیام غدیر و پیام ولایت و پیام امامت را به نسل‌های خودمان در داخل و خارج و به گوش آیندگان برسانیم.

پیشینه امامت و ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

من نمی‌خواهم سراغ کتب شیعه بروم، شما کتاب‌های اهل سنت را ببینید. خدای عالم در آیه ۶۷ سوره مائده آن‌چنان تندی دارد نسبت به رسول اکرم که برای انسان باور کردنی نیست، اگر این روایت بود ما می‌گفتیم قطعاً این روایت جعلی است. می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای!

سوره مائده (۹۷): آیه ۶۷

اگر این مأموریتی که به تو دادیم انجام ندهی رسالت حق انجام نشده است؛ یعنی تمام زحمات، تلاش‌ها، ایثارها و زجرهای که در طول ۲۳ سال کشیدی، اگر امروز این قضیه اتفاق نیافتد همه بی‌ثمر و بی‌نتیجه است. آیه روشن است حتی بچه‌های ۴-۵ ساله هم می‌فهمند:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

این چه امری است؟ آیا نماز یا روزه است؟ نماز که از روز اول بعثت در «مکه» واجب بود، روزه از سال دوم هجرت واجب شده است. آیا جهاد است؟ آیات جهاد که در سال سوم قبل از وقوع جنگ «بدر» نازل شده است؛ گرچه برخی از آیات جهاد، مربوط به «مکه» است و دیگر واجبات همه انجام شده است؛ پس قضیه چیست؟

شما ببینید آقای «زرکلی» در «الأعلام» در شرح حال آقای «آلوسی» متوفای ۱۲۷۰ می‌گوید:

«کان سلفی الاعتقاد»

آلوسی عقیده سلفی داشت.

الأعلام؛ زرکلی، خیر الدین بن محمود (م ۱۳۹۶)، دار العلم للملایین، چاپ پانزدهم، آیار، ۲۰۰۲ م؛ ج ۷،

ص ۱۷۶

آقای «آلوسی» در تفسیر قرآن، کتابی دارد به نام «روح المعانی»؛ ایشان مثل «قندوزی» و «گنجی شافعی» و غیره که متهم به شیعه است، شیعه هم نیست و نسبت به شیعه جملات رکیک و دور از ادب هم دارد؛ به «شیخ مفید» وقتی می‌رسد تعابیر وقیحی مثل «الکلب»، «الناصبی»، «الزندیق» دارد. با این تعبیر ولی همین آقا به تفسیر این آیه می‌رسد از «عبدالله مسعود» مفسر بزرگ عصر صحابه نقل می‌کند:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك، أن علياً ولي المؤمنين وإن لم

تفعل فمأ بلغت رسالته»

به مردم ابلاغ کن علی، ولی امر مؤمنین است، اگر این ابلاغ انجام نشود قطعاً رسالت حق انجام نشده است.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين

السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ۱۲۷۰هـ ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۶، ص

۱۹۳

من بارها عرض کردم کلمه «کان» در ادبیات عرب در جایی استعمال می‌شود که آن عمل مستمر باشد. «کان»

دلالت بر استمرار دارد با صیغه متکلم وحده هم نیست، نمی‌گوید: «كنت أقرأ» بلکه «كنا نقرأ» با صیغه «مع

الغیر» دارد که دال بر استیعاب است می‌گوید:

«کنا نقرأ علی عهد رسول الله»

ما این آیه را در عهد پیغمبر این طوری می خواندیم که به مردم ابلاغ کن علی، ولی امر مؤمنین است؛ از این واضح تر و روشن تر!

قبل از آقای «آلوسی»، «شوکانی» از علمای وهابی «عریستان» است کتاب های ایشان را مخصوصاً در این ۱۰ - ۱۵ سال اخیر؛ چون علیه شیعه مطالب زیادی دارد چاپ و منتشر می کنند. ایشان در کتاب «فتح القدير» که در تفسیر قرآن است جلد ۲، صفحه ۶۰ همین روایت را از «عبدالله مسعود» می آورد.

قبل از «شوکانی» آقای «سیوطی» متوفای ۹۱۱ در «الدر المنثور» جلد ۲، صفحه ۲۹۲ همین روایت را از «عبدالله مسعود» می آورد. وقس علی هذا، دیگر بزرگان و مفسران اهل سنت!

این نشان می دهد بر این که جایگاه ولایت یک جایگاه بلند و رفیعی است، که اگر انجام نشود رسالت بی مفهوم و بی نتیجه و بی ثمر است. چون این ولایت است که می تواند رسالت را استمرار بدهد، این ولایت است که می تواند مسؤولیت بزرگ رسول اکرم را تا قیام قیامت در جامعه زنده نگه دارد و احیاء کند ولذا ما می بینیم در روایاتی که باز اهل سنت در معتبرترین کتاب های شان آورده اند؛ وارد شده است که:

«من مات بلا إمام مات ميتة جاهلیة»

هر کس بدون امام از دنیا برود مرگش، مرگ جاهلی است.

تصور نکنید این فقط مربوط به شیعه است. بله مرحوم «کلینی» در جلد ۲ «کافی» صفحه ۱۸ تا ۲۸ حدود پانزده، شانزده روایت در این مضمون می آورد. همین طور در جلد ۱ «کافی» صفحه ۲۳۴؛ ایشان همین روایت را به طور مفصل نقل می کند.

از شیعه که بگذریم در «صحیح مسلم»، «مسلم ابن حجاج نیشابوری» متوفای ۲۶۱ که از دیدگاه عزیزان اهل سنت اصح کتاب بعد از قرآن است در جلد ۳، صفحه ۱۸۴۹، حدیث ۱۸۵۱ از قول «عبدالله ابن عمر ابن الخطاب» می‌گوید:

«وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

هر کس بدون امام از دنیا برود مرگش، مرگ جاهلی است.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۸۴۹، ح ۱۸۵۱

«احمد ابن حنبل» متوفای ۲۴۱ رئیس «حنابله» در «مسند» خودش جلد ۴، صفحه ۹۶ می‌گوید:

«قال رسول الله من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية»

هر کس بدون امام از دنیا برود مرگش، مرگ جاهلی است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶، ح ۱۶۹۲۲

«من مات بلا صلاة، بلا صوم، بلا حج، مات ميتة جاهلية» نگفتند! این نشان می‌دهد بر این که قضیه امامت و

ولایت، اصل اصیل در معارف دینی است، ولذا ما باید از این ولایت به خوبی پاسداری و محافظت کنیم وظیفه

خودمان را همان طوری که نبی مکرم در غدیر فرمود:

«فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ»

الكافي، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، مصحح: دار الکتب الإسلامية ج ۱؛ ص ۲۹۱، ح ۶

این فرمایش، تکلیف ما را روشن کرده است. خطبه غدیر، نه تنها در کتب شیعه، بلکه در کتب اهل سنت هم وجود دارد، شما مراجعه کنید ببینید آقای «طبرانی» متوفای ۳۶۰ در «معجم کبیر» - مشهور است که «معجم کبیر» تمام روایاتش صحیح است؛ برخلاف «معجم اوسط» و «معجم صغیر» که این طوری نیست. - ایشان در جلد ۳، صفحه ۱۸۰ خطبه غدیر را به طور مفصل آورده! یعنی چقدر؟ یک صفحه آورده!!

باز هم دستش درد نکند. دیگران یک سطر، دو سطر آوردند و گفتند پیغمبر خطبه خواند؛ یعنی سخنرانی کرد! می پرسیم چه فرمود؟ می گویند فرمود:

«مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ»

پدر و مادرت خوب، این حدیث غدیر است، پس خطبه کجاست؟ البته بعضی‌ها مثل «نسائی» در «سنن» خودش آورده که پیغمبر فرمود:

«اللَّهُمَّ وَالٍ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادٍ مَنْ عَادَاهُ»

السنن الکبری، اسم المؤلف: أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن النسائي الوفاة: ۳۰۳ ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ - ۱۹۹۱، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عبد الغفار سليمان البنداري ، سيد كسروي حسن، ج ۵، ص ۴۵، ح ۸۱۴۸

«ابن تیمیه» می گوید: «اللَّهُمَّ وَالٍ مَنْ وَالَاهُ» را علمای شیعه در کتاب‌های ما اضافه کرده‌اند، این حرف قبل از این که به شیعه توهین باشد به اهل سنت توهین است. یعنی علمای اهل سنت به قدری بی‌عرضه بودند که نتوانستند از کتاب‌هایشان حراست کنند شیعه‌ها آمدند در کتاب‌های ما اضافه کردند.

شما ببینید «ابن داود» در سننش، «ترمذی» در صحیحش هیچ کدام خطبه غدیر را نیاورده‌اند بروید مطالعه کنید. من یک مدتی دنبال این می‌گشتم این که می‌گویند پیغمبر خطبه خواند؛ یعنی سخنرانی کرد. سخنرانی چقدر؟ بین نماز ظهر و عصر؛ یعنی دو ساعت و نیم، سه ساعت!

در آن زمان افراد تندنویس زیاد بودند، دو سه ساعت را اگر کسی پیاده کند، همه مطالب را هم پیاده نکند، حداقل باید ۳۰-۴۰ صفحه باشد ولی ما می‌بینیم همه‌اش این شده:

« مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِي مَوْلَاهُ »

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي الوفاة: ۲۳۵، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت؛ ج ۶، ص ۳۶۶، ح ۳۲۰۷۳

یا:

« مَنْ كُنْتُ وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ وَلِيُّهُ »

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الله بن محمد بن أبي شيبه الكوفي الوفاة: ۲۳۵، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - ۱۴۰۹، الطبعة: الأولى، تحقيق: كمال يوسف الحوت، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۳۲۰۶۵

دیدم اولین کسی که در اهل سنت خطبه غدیر را نقل کرده آقای «طبرانی» است، ما به نوبه خودمان از این فرد تشکر می‌کنیم و یقین داریم امیرالمؤمنین او را بی‌مزد و بی‌پاداش نخواهد گذاشت.

عنایتی از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به یک فرد ناصبی!

هر کسی برای علی به هر نیتی کار کند بی پاداش نمی‌ماند. من از سروران عزیز و حضرت آیت‌الله عبادی که شرف حضور دارند، عذر می‌خواهم. بنده معتقد هستم اگر کسی ریائاً هم برای علی کار کند علی اگر به خاطر نیتش که فاسد است مزد ندهد، به خاطر زحمتی که می‌کشد علی او را بی‌مزد نمی‌گذارد!

یک کتابی به نام «رأیت راهنما» است که آقا «شیخ مجتبی عراقی» نوشته است، داستانی است که الآن به ذهنم آمد و این هم روزی شما در این شب بود. می‌گویند در «نجف» یک تاجری بود که دارای امکانات وسیع مالی بود، ولی «ناصری» بود، نسبت به امیرالمؤمنین خیلی جسارت می‌کرد.

یک نوکر، پیش‌خدمت و هر تعبیری که شما بکنید داشت که خیلی از جسارت‌های او زجر می‌کشید، بارها به صاحب کارش می‌گفت آقا علی ابن ابیطالب چه هیزم تری به تو فروخته که این همه نسبت به علی ناسزا می‌گویی؟

تا آخر یک شب گفت من حرم علی (علیه السلام) می‌روم، نفرینت می‌کنم و از علی می‌خواهم رشته عمرت را قیچی کند. گفت برو ببینم چه غلطی می‌خواهی بکنی!

می‌گویند این نوکر در حرم حضرت علی آمد و خیلی گریه و زاری کرد تا خوابش برد در عالم خواب امیرالمؤمنین را دید، گفت حالا که علی را دیدم حاجت‌های دیگرمان را بخواهم. سال‌ها بگذرد و شنبه به نوروز افتد که ما همچنین سعادت به دستمان آمد.

به پاهای علی ابن ابیطالب (سلام الله علیه) افتاد، آقا جان! صاحب کار و ارباب من خیلی به شما جسارت می‌کند، من دیگر به ستوه آمدم، قلبم به درد آمده، از خدا بخواه رشته عمرش را قطع کند.

حاجت دوم؛ یا ابالحسن! ۳۰ - ۳۵ سال است نوکری می‌کنم تا کی باید نوکری کنم؟ یک نظر ولائی به ما کن که ما یک مقداری امکانات داشته باشیم و از این نوکری برای دیگران خلاص شویم. آقا جان! یک چیزی دیگری

می‌خواهم بگویم خجالت می‌کشم رویم نمی‌شود، ما یواش یواش داریم پیر پسر می‌شویم و ازدواج نکردیم یک کرم و نظر ولائی به ما کن.

به ذره گر نظر لطف بوتراب کند/ به آسمان رود و کار آفتاب کند.

می‌گوید امیر المؤمنین فرمود حاجت اولت که مرگ اربابت باشد برآورده نیست. می‌گوید به دست و پای امیر المؤمنین افتادم گفتم آقا جان! حاجت دوم و سوم را نمی‌خواهم اولی را بده. گفت آقا جان صلاح نیست گفتم چرا؟

فرمود: همین ارباب ناصبی تو وقتی از کنار حرم من می‌گذرد بی‌اختیار سرش را پایین می‌آورد و در برابر حرم و ضریح و گنبد من تعظیم می‌کند، به همین اندازه که به من اظهار ارادت می‌کند نمی‌خواهم مقدمات هلاکتش را فراهم کنم.

این علی چقدر باحال و بزرگ است!! دوستان را کجا کنی محروم/ که تو با دشمن این نظر داری.

می‌گوید از خواب بیدار شدم خیلی ناراحت به سمت خانه رفتم. اربابم گفت چه کار کردی؟ اتفاقی برای من نیافتاده است. دو سه مرتبه گفت، من گریه‌ام گرفت گفت چه خبر است؟ خوابم را برایش تعریف کردم، دیدم تکان خورد رنگش پرید گفت: پسر، دوباره، سه باره خوابت را بگو دیدم اشک از چشمانش جاری شد.

گفت: به خدای لاشریک قسم این که من از کنار حرم علی رد می‌شوم و سرم را خم می‌کنم احدی خبر ندارد، زن و بچه‌هایم هم خبر ندارند، ای جوان، معلوم می‌شود ارباب تو علی خیلی مرد و بزرگوار است. حتی من «ناصری» که به این مقدار به او اظهار ارادت می‌کنم این را هم نادیده نمی‌گیرد، تو شاهد باش من از امروز نه تنها دست از ناسزا به علی برداشتم رسماً شیعه هم شدم.

بعد خیلی گریه کرد، گفت فلانی تو باعث شدی ما به نعمت تشیع مشرف شدیم، اگر اجازه بدهی محصول عمر من یک دختر بیشتر نیست، خدا پسر هم به من نداده، این دخترم را به عقد تو در بیاورم؛ این همه ثروتی که دارم شما دو نفر بروید کار کنید بیایید سه تای ما هم استفاده کنیم.

ببینید علی خیلی مرد است، امیر المؤمنین این قدر مرد است که حتی برای یک «ناصری» هم حاضر نیست به خاطر این که اظهار ارادت می کند خدای نکرده مقدمات هلاکت او را فراهم بکند.

مطالعه این کتاب با برکت را از دست ندهید!

برادرم، خواهرم، سرورم! ما بیاییم رشته زندگی مان را به ولای علی گره بزنیم، با علی عهد و پیمان ببندیم روزی نیم ساعت، یک ساعت برای علی کار کنیم مطالعه کنیم. «مقام معظم رهبری» فرمود من به علمای اهل سنت هم توصیه می کنم کتاب «المراجعات» نوشته «علامه شرف الدین» را بخوانند. «الغدیر» را بخوانند.

کتاب «المراجعات» یکی از کتاب های با برکتی است که شاید در ۱۴ قرن، کمتر کتابی مثل «المراجعات» در جامعه شیعه و سنی جا باز کرده باشد.

اولاً این کتاب یک مکاتباتی بین دو شخصیت برجسته اهل سنت و شیعه است، از طرف اهل سنت «شیخ سلیم بشری» رئیس «دانشگاه الازهر» محبوب در نزد اهل سنت جهان، از این طرف مرحوم «شرف الدین» فقیه، اصولی و عارف!

البته این هم مناظره نیست مکاتبه است. در مناظره بعضی موقع مطلب به ذهن آدم نمی آید و یا وقت نیست، اما در این مکاتبه علامه «شرف الدین» با تمام توان از مذهب اهل بیت دفاع می کند. آقای «شیخ سلیم بشری» با تمام توان به میدان آمده و ادله مرحوم «شرف الدین» را مناقشه می کند، برای حقانیت سقیفه استدلال می کند.

این مکاتبه در اوج ادب است! ما کتابی که مربوط به مسائل اختلافی باشد و این‌طور مؤدبانه باشد، بنده اعتراف می‌کنم در این ۳۰ سالی که در این وادی هستم ندیدم.

«المراجعات» از یک اتقان کاملی هم برخوردار است. بیاییم هر روز يك ساعت برای علی کار کنیم. روزی یک ساعت وقت‌مان را به علی پیش فروش کنیم. ببینیم علی ابن ابیطاب برای یک ساعت وقت‌مان چقدر مزد به ما می‌دهد؟

در آن ساعتی که وقت برای علی گذاشتیم، هر کاری برای‌مان پیش آمد نه بگوییم. مرحوم «میرحامد حسین» صاحب «عبقات» در اوج نیاز به پول برای جا و ... یکی از تجار طراز اول «هند» با ده واسطه می‌خواهد با مرحوم «میرحامد حسین» ملاقات کند. آن شخص به حیاط می‌آید، ایشان پنجره را باز می‌کند سلام و احوال‌پرسی می‌کند، بعد می‌گوید: آقا من می‌خواستم شما را زیارت کنم، ایشان می‌گوید: زیارت کردی برو! می‌گوید: می‌خواهم بیایم بنشینم و با شما صحبت کنم.

آقای «میرحامد حسین» می‌گوید: آقا! من وقتم را برای علی پیش فروش کردم. یک مال و متاع را به دو نفر نمی‌شود فروخت. پنجره را بست و نشست مشغول کار شد.

مرحوم «سید محسن امین عاملی» صاحب کتاب «اعیان الشیعه» به قدری غرق در کار بود که حتی فرصت غذا خوردن نداشت، خواهرش لقمه درست می‌کرد در دهانش می‌گذاشت، او می‌خورد و مشغول نوشتن بود. این‌ها این‌چنین کار کردند که پرچم مذهب شیعه را سر بلند کردند. ولذا تقاضای من از عزیزان این است که بزرگواری کنند هر کسی در اندازه و توان خودش کار کند.

امروز فضای مجازی با این‌که تهدید بزرگی است و به تعبیر «مقام معظم رهبری» قتلگاه جوان‌ها شده است؛ ولی با این تهدید یک فرصت خوبی هم است که ما بتوانیم از طریق فضای مجازی، صدای علی را به گوش جهانیان برسانیم.

شما یک دفعه در یک مسجدی می‌روید که سیصد نفر، پانصد نفر و یا هزار نفر هستند سخنرانی می‌کنید، یک وقت هم است یک مطلبی را در فضای مجازی می‌گذارید می‌بینید ده‌ها هزار نفر از این مطلب شما استفاده می‌کنند!

در رابطه با فیلم فتنه، ده پانزده سال قبل یکی از نمایندگان پارلمان این فیلم را درست کرد با این که دولت نشر آن را ممنوع کرده بود، ۲۴ ساعت روی اینترنت گذاشت، هفت میلیون نفر بازدید کردند!!

الان این شبکه‌های اجتماعی مثل «وات‌ساپ»، «تلگرام»، «تویتر»، «فیس بوک» و امثال این‌ها بعضی از کانال‌ها و گروه‌ها را ما می‌بینیم که کاربر و مراجعه کننده میلیونی دارند. ما هم بیاییم از این فرصت استفاده کنیم معارف اهل‌بیت را منتشر کنیم، حقانیت اهل‌بیت را به گوش مردم برسانیم.

در گروه‌های که بعضی از «سلفی»‌ها دارند مخصوصاً در استان شما و استان‌های همجوار شما که شبانه روز دارند کار می‌کنند و اهانت‌های رکیک به تشیع دارند، لازم است که این‌ها را شما جواب بدهید.

ما اگر کوتاه بیاییم فردای قیامت پیش خدای عالم مسئول هستیم، پیش صدیقه طاهره مسئول هستیم، صدیقه طاهره چقدر با تمام توان برای امامت تلاش کرد، تمام هستی خودش را برای دفاع از حریم ولایت و امیرالمؤمنین در کف دستش گذاشت.

«ابن قتیبہ دینوری» کتابی به نام «الامامة والسیاسة» دارد، گرچه بعضی‌ها می‌گویند مال او نیست؛ ولی تا قرن هشتم هیچ کس نمی‌گفت «الامامة والسیاسة» مال ایشان نیست. حتی خیلی از بزرگان مانند: «ابن عربی ناصبی» مطالبی از «ابن قتیبہ» از «الامامة والسیاسة» اش نقل می‌کند، و یا «ذهبی» به عنوان یک کتاب قطعی منسوب به ایشان نقل می‌کند.

ایشان از صفحه ۳۱ به بعد قضایای هجوم به خانه حضرت زهرا، بردن امیر المؤمنین به مسجد را به طور مفصل نقل می‌کند، بعد صدیقه طاهره خودش را می‌رساند دست امیر المؤمنین را می‌گیرد از آنجا نجات می‌دهد و به منزل می‌برد.

مرحوم «میرجهانی» در کتاب «الکوکب الدرّی» می‌گوید امیر المؤمنین را به خانه آورد، زهرای مرضیه در برابر علی نشست. زهرا عاشق علی است زهرای مرضیه، پاره تن پیغمبر است عرضه می‌دارد:

«یا اَبَالحَسَنِ نَفْسِی لِتُفْسِكَ الوَقَا، رُوحِی لِرُوحِکَ الفِداءِ اِنْ کُنْتُ فی خَیْرِ کُنْتُ مَعَكَ و اِنْ کُنْتُ فی شَرٍّ کُنْتُ مَعَكَ»

علی جان، جانم فدای جان تو و جان و روح من سپر بلای جان تو. یا اباالحسن! همواره با تو خواهم بود؛ اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری، با تو خواهم زیست و اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود.

نهج الحیاه، ص ۱۴۷، ح ۷۵، به نقل از الکواکب الدرّی، ج ۱، ص ۱۹۶

علی جان در تمام سختی‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها زهرا در کنار توست تا توانست با سخنش، نتوانست با قهر و غضبش و در آخر عمرش با قبر مخفیانه‌اش صدای مظلومیت و حقانیت علی را به گوش عالم رساند.

ولذا ما هم از صدیقه طاهره تأسی کنیم. شب، شب میلاد است ایام، ایام ولادت است ولی من اسم زهرا را آوردم، دوستان چشمانشان اشک آلود شد. باز يك تعبیری مرحوم «میرجهانی» دارد نمی‌دانم ایشان از چه منبعی استفاده کرده است؛ ولی ایشان آدمی عارف و دارای چشم برزخی و عالمی وارسته بوده است.

می‌گوید امیر المؤمنین وقتی بیرون آمد دید زهرای مرضیه پشت در افتاده دو تا جمله نقل می‌کند، جگر آدم را کباب می‌کند و قلب آدم را به درد می‌آورد فرمود:

« یا لیتنی ضربت مکاتک »

ای کاش من در اینجا کتک می‌خوردم. ای کاش علی مرده بود و این منظره را ندیده بود.

زهرای جان! ای کاش که من علی به جان تو و به جای تو کتک می‌خوردم، ای کاش به جای تو پهلوی من شکسته شده بود سینه من مجروح می‌شد!

جمله دوم:

« یا بنت رسول الله! یا لیتنی مٹ قبل هذا »

روز روشن خانه‌ام را از جفا آتش زدند * * این چنین بی حرمتی با خانه‌ی اعداء نشد
همسری چون من به راه شوهر خود جان نداد * * کودکی چون محسنم قربانی بابا نشد
ای قلم بنویس، ای تاریخ در خود ثبت کن * * یک نفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

«أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ؛ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ نَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَ نَدْعُوكَ بِاسْمِكَ

الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ الْعَجَلِ الْأَكْرَمِ الْهَيِّ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ أَبِيهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا يَا اللَّهُ، يَا

الله....»

الهی تو را به ولایت علی، به عصمت زهرا قسمت می‌دهیم هر چه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی مولایمان
بقیة الله الاعظم بیوشان. مقدمات ظهورش به حق مادرش زهرا سریعاً فراهم گردان. از باقی مانده غیبتش به
حق جدش علی، صرف نظر کن. ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. به حق زهرای
مرضیه انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

تمامی خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید مدار. خدایا به آبروی زهرا، همه مجاهدین ما در هر کجای عالم در جبهه حق علیه باطل، نفاق علیه ایمان تلاش می کنند، بویژه عزیزان ما در «یمن» پیروزی و نصرت نهایی نصیبشان بگردان.

رفع گرفتاری از همه گرفتاران بویژه مسلمانان «کشمیر» به حق صدیقه طاهره از همه آنان رفع گرفتاری بفرما. الهی به حق زهرا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی مدار. شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. خدایا به حق زهرا و علی گرفتاری های ما را برطرف کن. حوائج ما برآورده نما. دعاهای ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صالحین، صدقین بالاخص «امام راحل» و دو تا یادگارش صلوات بفرستید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ